

# صدای پای ضحاک!

نقدی بر اجرای آزمون‌های مکرر شبیه‌سازی شده‌ی مداد کاغذی در دبستان‌های کشور

دکتر محمد حسینی

عضو هیئت علمی مؤسسه‌ی پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی

## سرآغاز

در خاطر دارم در جلسه‌ای، خانمی از پیش‌کسوتان آموزش و پرورش - که خدایش بیامرزد - در نهایت درمندی و نگرانی درباره‌ی وضعیت کنکور و مسائل و مشکلات آن تعبیر جالبی به کار برد و گفت: «گروهی در جریان آب گل‌آلود رقابت جوانان برای موفقیت در کنکور سراسری، چونان ضحاک از مغز جوانان ما ارتزاق می‌کنند.» مراد این بانوی محترم، مؤسساتی بود که با سوار شدن بر موج استقبال از کنکور و با تهیه و تولید آزمون‌ها و اجرای آزمون‌های شبیه‌سازی شده‌ی مکرر، بر این رقابت‌ها دامن زده و از این نمد کلاهی برای خود دست و پا کرده‌اند. بدیهی است که تشدید این رقابت‌ها آثار زیانباری بر روح و جان جوانان دارد که از چشم صاحب‌نظران به دور نمانده است. لذا می‌توان گفت تشدید این رقابت تنها به سود این مؤسسات است و جوانان و نظام آموزشی کمتر فایده‌ای نصیبشان می‌گردد و حتی متضرر نیز می‌شوند.

این مقاله درصدد است تا نشان دهد که صدای پای ضحاک در دوره‌ی دبستان نیز به گوش می‌رسد. این بار ذهن و فکر کودکان را نشانه رفته است.

یکی از افتخارات هر جامعه‌ای این است که نوباوگان و نونهالان مناسب تربیتی است.

اما حضور در مدرسه و تجربه‌ی زندگی مدرسه باید ویژگی‌ها و خصوصیتی داشته باشد. هر مدرسه‌ای بالنده نیست. فضا و محیط مدرسه و سازوکارهای اجرایی آن (تدریس، ارزش‌یابی، مدیریت، فعالیت‌های تربیتی) باید در چارچوب اصول قرار گیرد. این سازوکارها پیوسته بازبینی می‌شود، و گرنه راه به ترکستان خواهد برد.

یکی از سازوکارهای تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز جاری و اساسی در مدرسه، ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی است. این سازوکار در شکل‌دهی

خود را برای زندگی بالنده و سازنده در آینده آماده کند. هر جامعه‌ای

تلاش دارد تا زمینه‌های مناسب برای نشوونمای فرزندان خود را فراهم کند. این زمینه‌گاه معنای عام دارد و در تمامی لحظه‌های زندگی، فرصت‌ها و تجربیات، گسترده است و گاه معنایی خاص و تعریف شده دارد. این معنای ویژه، زمینه‌سازی

برای بالندگی نوباوگان، یعنی همان تجربه‌ی بهره‌گیری از فرصت‌های تربیتی مدرسه‌ای است. از این رو تدارک مدرسه،

بخش مهمی از تکاپوی جامعه برای فراهم ساختن فرصت‌های

## نگاهی کمی به موضوع پیشرفت و یادگیری

پیشرفت تحصیلی و یادگیری پدیده‌ای کیفی و پیچیده در نظام تربیتی است. تمامی امکانات و فرصت‌های مدرسه برای توسعه و اعتلای آن است. اندازه‌گیری پیشرفت و یادگیری رسمی مدرسه‌ای با مقیاس عددی (صفر تا ۲۰) یک نگاه کمی را دامن زده است؛ گویی نمره، مساوی است با یادگیری و پیشرفت؛ اما این تساوی واقعی نیست، زیرا یادگیری و پیشرفت در اساس با عدد و رقم قابل شناخت و تبیین نیست. یادگیری و پیشرفت اگرچه ابعاد کمی و قابل سنجش با ابزارهای معمول را دارد، اما ابعاد کیفی آن بسیار گسترده است و نمی‌توان این پدیده‌ی تربیتی را به ابعاد کمی آن فروکاست و این کاهش موجب قلب ماهیت یادگیری و پیشرفت می‌شود و آن را به سوی سطحی شدن سوق می‌دهد.

## تأکید بر محتوا و حفظ یا حداکثر فهم محتوا

یکی از جلوه‌های ناپسند تربیتی در نظام آموزشی همین محتوامداری است. بسیاری چنین تصویری دارند که هدف اساسی تحصیل و تدریس، یادگیری محتوای کتاب است. این دیدگاه تربیتی بر گرایش آزمون‌های گسترده‌ی مداد کاغذی تأثیرگذار است. عمده‌ی این آزمون‌ها بر محتوای کتاب تأکید دارند و پرسش‌ها بر مبنای محتوا شکل می‌گیرد در حالی که در اغلب موارد، محتوا وسیله‌ای برای رسیدن به هدف اصلی است؛ یعنی ماندن در سطح محتوا غفلت از اهداف اساسی تر است.

## تأکید بر رقابت بین فردی

رقابت برای دست‌یابی به موفقیت (طبق تعریف کمی، نمره‌ی بالاتر و یا معدل ۲۰) جلوه‌ی ممتازی در نظام آموزشی ما دارد. کودکان از بدو ورود به مدرسه، خود را در یک فضای رقابتی سخت برای کسب نمره می‌بینند که با شرایط رشدی آنان ناسازگار است. جریان توسعه‌ی آزمون‌های مداد کاغذی و شیوه‌ی ارائه‌ی بازخورد آن، با جور رقابتی حاکم تناسب زیادی دارد. گروهی از صاحب‌نظران تعلیم و تربیت با رویکرد رقابتی در مدارس، به‌ویژه دبستان‌ها سر مخالفت دارند؛ زیرا این رقابت‌ها را آسیب‌زا می‌دانند.

## روشی گزینش مدارس تیزهوشان و نمونه دولتی

گرایش بسیاری از خانواده‌ها برای ورود فرزندانشان به مدارس تیزهوشان و نمونه دولتی و رقابت مدارس برای اعلام میزان موفقیت دانش‌آموزان در ورود به این‌گونه مدارس موجب شده است که چنین آزمون‌هایی در گزینش این مدارس گسترش یابد. این آزمون‌ها، تجربه

به فضای حاکم بر مدرسه و اصلاح و بهبود سازوکارهای دیگر مانند تدریس و یادگیری، اهمیتی بی‌بدیل دارد. در تاریخ تحولات عناصر و مؤلفه‌های نظام تربیت رسمی (آموزش و پرورش) مؤلفه‌ی ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی کمتر مورد تغییر و بازاندیشی اساسی واقع شده است. بررسی آیین‌نامه‌های امتحانات در هشتاد سال گذشته نشان می‌دهد که این مؤلفه تا دهه‌ی هفتاد و هشتاد شمسی روندی یک‌سان داشته است؛ اما در سال‌های اخیر با عنایت به تحولات علمی در این حوزه، سیاست‌گذاران تصمیم به تغییراتی گرفتند که برخی از مهم‌ترین آن‌ها ارزش‌یابی مستمر، ارزش‌یابی کیفی - توصیفی و تدوین اصول حاکم بر ارزش‌یابی در آموزش و پرورش است. بی‌تردید این تغییرات در جهت اصلاح و بهبود و ارتقای کیفیت یاددهی - یادگیری صورت گرفته است؛ به‌ویژه اصول حاکم بر ارزش‌یابی که به نظر، مصوبه‌ی کم‌نظیر در تاریخ مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش به شمار می‌رود.

این اصول، مبنا و ملاک عمل کارگزاران نظام آموزش در تهیه و تدارک ساز و کار ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی است که با پیشرفت‌های علمی در این حوزه کاملاً هماهنگی دارد. برنامه و طرح‌ها و به طور کلی جهت‌گیری کلی نظام آموزشی، به واقع باید در راستای این اصول باشد. اما درست برخلاف این جریان تحولی و اصلاحی، جریانی خزنده و آسیب‌زا در مدارس کشور، به‌ویژه در دوره‌ی دبستان، در حال نشوونماست. این جریان آسیب‌زا آزمون‌هایی با ویژگی‌های زیر طراحی می‌کند:

- مداد کاغذی است و به‌طور عمده پرسش‌های آن بر محتوای کتاب‌ها و اهداف شناختی (سطوح پایین) توجه دارد.

- برخی از این آزمون‌ها به سبب تأکید بر آمادگی برای آزمون‌های ورودی مدارس تیزهوشان و نمونه دولتی، از سطح توانایی ذهنی و آمادگی دانش‌آموزان بالاتر است و پیچیدگی زیادی دارد.
- بازخورد، کمی و رقابتی است و رتبه‌های کلاسی، مدرسه‌ای، منطقه‌ای، استانی و کشوری ارائه می‌شود.
- رقابت انگیز بودن این آزمون با هدف تشویق دانش‌آموزان به یادگیری، به رقابت بین دانش‌آموزان ساعی دامن می‌زند.
- نامشخص بودن کیفیت آزمون‌ها. روشن نیست که تهیه‌کنندگان این آزمون‌ها، ملاک‌ها و شاخص‌های آزمون‌های استاندارد و معتبر را رعایت می‌کنند یا نه؟

## دلایل ظهور این پدیده

بی‌تردید شناخت دقیق یک پدیده از طریق بسترها و عوامل شکل‌دهنده‌ی آن میسر است. ورود و گسترش تب آزمون‌های گزینه‌ای در مقیاس وسیع در مدارس ابتدایی کشور، دلایل و بستری‌هایی دارد که لازم است بررسی شود.

و نوعی آمادگی برای آزمون اصلی ورود به مدارس تیزهوشان و نمونه دولتی است. همچنین این آزمون‌ها به گونه‌ای بر فرایند تدریس و یادگیری دانش آموزان تاثیر می‌گذارد؛ همانند تأثیری که کنکور بر روش‌های یاددهی و یادگیری پیش دانشگاهی دارد.

به سبب رقابت بین مدارس (به ویژه غیردولتی‌ها) برای کسب رضایت ظاهری مشتربان از طریق ارائه‌ی این آزمون‌ها، ملاک‌ها و معیارهای مناسب برای مدیریت فرصت‌های تربیتی به‌طور عمده مغفول مانده و ملاک و معیارهای ظاهری فاقد ارزش اصیل تربیتی جایگزین آن‌ها شده است. به سخن دیگر، دغدغه‌ی برخی از این مدارس توجه به کمیت یادگیری است و از توجه به کیفیت یادگیری غفلت می‌شود. برخی مدارس غیردولتی و حتی دولتی در رقابت اقدام به توسعه‌ی این آزمون‌ها می‌کنند. تصور بسیاری از مدارس این است که آزمون‌ها موجب بهبود یادگیری می‌شود و از این رو به افزایش پیشرفت تحصیلی دانش آموزان می‌انجامد.

البته این آزمون‌های پیوسته در شرایطی می‌تواند به بهبود پیشرفت تحصیلی کمک کند؛ اما تحقق آن شرایط به سختی ممکن است. یکی از این شرایط وجود انگیزه‌ی بالای تحصیلی در دانش آموزان و فهم

منطق تکرار این آزمون‌هاست. دیگری ارائه‌ی بازخوردهای مناسب برای کشف نقاط ضعف و قوت یادگیری و توصیه‌ها و راهکارهای بهبود یادگیری است. البته اساساً چنین روالی وجود نداشته است. زیرا منطق این آزمون‌ها بر توسعه‌ی رقابت بین فردی استوار است و نه رقابت درون فردی.

## عواقب و آثار نامناسب این پدیده

علی‌رغم این که توسعه‌ی آزمون‌ها در دبستان‌های کشور با تصور پیامدهای سازنده صورت می‌گیرد، اما نگاه ژرف‌تر و دوری از سطحی‌نگری و چشم و هم‌چشمی‌ها، عواقب ناگوار این پدیده را آشکار می‌گرداند که در ادامه‌ی بحث به آن‌ها می‌پردازیم.

## کاهش بهداشت روانی دانش آموزان در محیط یادگیری

یکی از شاخص‌های اساسی بهداشت روانی در محیط‌های یادگیری، نبود استرس و اضطراب است. مربیان و مدیران آگاه در تلاشند به روش‌های گوناگون، محیط‌های آموزشی خود را بانشاط سامان دهند، به گونه‌ای که کودکان در آن احساس آرامش کنند.

یکی از عوامل اضطراب‌آور در محیط‌های یادگیری، طبق مشاهدات و مطالعات مکرر، امتحان و نحوه‌ی اجرای آن است. آزمون‌های مورد بحث به دلیل سبک و سیاق اجرای آن (کنترل‌های زیاد) و نحوه‌ی بازخورد و رویکرد رقابتی حاکم بر آن، بی‌تردید در بخش قابل توجهی از دانش آموزان اضطراب ایجاد می‌کند. تکرار این تجربه‌های اضطراب‌آور (آزمون‌ها) علاوه بر عواقب جسمانی، عواقب روانی بلند مدتی برجای می‌گذارد. لذا در نظام‌های آموزشی با استانداردهای بالا، به‌ویژه در دوره‌ی دبستان در خصوص عوامل استرس‌زا در مدرسه به‌ویژه در چگونگی آزمون‌ها ملاحظات دقیقی دارند؛ یعنی نمی‌توان نسبت به این موضوع بی‌تفاوت بود. این خطای بزرگی است که برای یادگیری بیشتر، آرامش و امنیت روانی دانش آموزان کاهش یابد، زیرا این با حقوق انسانی کودکان در تعارض است. این آزمون‌ها اگر با انگیزه‌ی شهرت آموزگار بر گزار شود، خطای بزرگ‌تر و نابخشودنی‌تری خواهد بود.

اخیراً شاهدیم که

مؤسساتی با هدف آموزش تیزهوشان، با تبلیغات وسیع اقدام به جذب و آموزش گروهی از دانش آموزان این مرزوبوم می‌کنند. این مؤسسات

(البته در موارد بسیار، افراد حقیقی به

صورت معلم خصوصی) با تحریک حس

علاقه‌مندی والدین به ارتقای آموزش فرزندان و تمایل آن‌ها به پذیرش کودکانشان در مدارس تیزهوشان و نمونه دولتی، اقدام به ارائه‌ی خدمات آموزشی ویژه و آزمون‌های شبیه‌سازی شده با آزمون‌های ورودی مدارس سمپاد و نمونه دولتی می‌کنند. بدیهی است که حق والدین است که فرصت‌های مناسب تربیتی را در حد وسیع برای کودکانشان فراهم آورند و بخش خصوصی، طبق مقررات، می‌تواند در این عرصه وارد شود. اما چندانچه وجود دارد که نمی‌توان به سادگی از آن گذشت. پرسش مهم این است که چه کودکی تیزهوش است؟ بر اساس چه ملاک و معیاری کودکان تیزهوش انتخاب می‌شوند؟ چه ابزار معتبری برای این کار استفاده می‌شود؟ روشن است که به سادگی نمی‌توان کودکان تیزهوش را شناسایی کرد و این مشکل، به‌ویژه با ارائه‌ی نظریات جدید در خصوص هوش، مانند نظریه‌ی هوش‌های چندگانه شدیدتر می‌شود. با توجه به فقدان دانش و تخصص کافی برای شناسایی دانش آموزان تیزهوش، در موارد بسیار، کودکانی که پیشرفت مناسبی در تحصیل داشته‌اند، وارد این میدان می‌شوند و رقابتی سنگین و آسیب‌زا را تجربه می‌کنند. حضور در کلاس‌های آمادگی و اجرای آزمون‌های مستمر، علاوه بر تحمیل هزینه‌های گزاف به والدین، آثار حیاتی و روانی ناخوش‌آیندی را بر طیف وسیعی از این دانش آموزان برجای می‌گذارد.

## گروهی از صاحب‌نظران تعلیم و تربیت با رویکرد رقابتی در مدارس، به‌ویژه دبستان‌ها سر مخالفت دارند؛ زیرا این رقابت‌ها را آسیب‌زا می‌دانند

لذا اگر بر این رقابت دامن زده شود و عرصه برای ورود مؤسسات سودجو فراهم شود، آسیب زیادی به کودکان وارد خواهد شد. بی تردید جامعه از این جریان بهره‌ای نخواهد برد و حتی متضرر نیز خواهد شد.

## کاهش کیفیت یادگیری و توجه صرف به محتوا

آزمون‌های مدادکاغذی برخلاف کاربرد گسترده و قواعد فراوان، محدودیت قابل توجهی نیز دارند. توسعه و گسترش این ابزار ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی و محوریت دادن به آن‌ها به سبب همین محدودیت‌ها عوارض ناگوار تربیتی دارد. از جمله این که این آزمون به دلیل ماهیتش بر محتوای کتاب و اهداف سطوح پایین شناختی (مانندحافظه و فهم) متمرکز است، پس اهداف یادگیری به نحو ضمنی بر این سطوح محدود می‌شود و این محدودیت‌ها بر راهبردهای آموزشی معلمان و به دنبال آن بر راهبردهای یادگیری دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد و به سخن دیگر، معلمان تلاش می‌کنند به گونه‌ای تدریس کنند که با این روش‌های ارزش‌یابی تناسب داشته باشد و دانش‌آموزان نیز برای کسب موفقیت و نمره؛ متناسب با آن یادمی‌گیرند. کافی است به پدیده‌ی کنکور و تأثیر آن بر روش درس خواندن دانش‌آموزان کنکوری توجه کنید و یا به پدیده‌ی جزوه گفتن معلمان و یا مجموعه سؤالات پیشنهادی معلمان فکر کنیم. همه‌ی این پدیده‌ها، تحت تأثیر نوع ارزش‌یابی‌ها شکل می‌گیرد. از این رو، این آزمون‌ها مانع کاربرد گسترده‌ی روش‌های نوین و فعال تدریس به شمار می‌روند.

اخیراً برخی از مؤسسات تولید کننده‌ی این کتاب‌های آزمون (به اصطلاح کمک آموزشی) در تبلیغات خود ادعا می‌کنند: بخوانید، امتحان بدهید و بیست بگیرید! یعنی با خواندن این کتاب، به کتاب درسی و یادگیری کلاسی آن چنان نیازی نیست. معنای دیگر این رویکرد این است که هدف درس خواندن، امتحان دادن و هدف امتحان دادن، بیست گرفتن (نماد کمی پیشرفت تحصیلی) است. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل!

آیا در واقع هدف اساسی تربیت رسمی و عمومی در دوره‌ی دبستانی امتحان دادن و بیست گرفتن است؟ آیا محدود کردن اهداف دوره‌ی دبستانی برای آینده‌ی جامعه زیان‌بار نیست؟ جان کلام این که گسترش این سبک آزمون‌ها و حد زدن موفقیت و پیشرفت و یادگیری به موفقیت در این آزمون‌ها، باعث فراموش شدن اهداف اساسی تربیت در دوره‌ی دبستانی می‌شود و این برای همه‌ی دل‌سوزان نظام آموزشی نگران کننده خواهد بود.



سالیانی است که نظام آموزشی متوسطه‌ی ما در اسارت دو جریان اسطوره‌گونه قرار گرفته است، به گونه‌ای که بسیاری از طرح‌ها و برنامه‌های اصلاحی را که به قصد بهبود کیفیت یادگیری اجرا شده

است؛ از بازدهی و ثمربخشی دور کرده است. این دو اسطوره عبارت‌اند از کنکور و مسابقات المپیادی. هنوز تلاش‌ها برای حذف کنکور بی‌نتیجه مانده است و جریان دومی نیز به همان قدرت سابق ادامه دارد. در مجموع این دو جریان، مسائل و مشکلات زیادی برای نظام آموزشی و حتی جامعه ایجاد کرده است.

در نظام آموزشی دبستانی نیز مشابه این دو جریان اسطوره‌ای در حال شکل‌گیری است. جریان نخست آزمون‌های شبیه‌سازی شده با آزمون‌های ورودی مدارس تیز هوشان و نمونه مردمی و جریان دوم آزمون‌های مسابقات علمی در مقیاس وسیع (کشوری) است. این دو جریان به شدت در حال گسترش‌اند و بی تردید مسائل و مشکلاتی به مراتب شدیدتر از دوره‌ی متوسطه برای دوره‌ی دبستانی به‌وجود خواهند آورد.

از سوی دیگر توسعه و گسترش این آزمون‌ها در دوره دبستانی با سیاست‌های جاری مورد تأیید نهادهای سیاست‌گذاری، به ویژه شورای عالی آموزش و پرورش در تعارض است. برای اثبات این مدعا کافی است به اصول ۱۶ گانه‌ی مصوب ارزش‌یابی تحصیلی شورای عالی آموزش و پرورش مراجعه کنیم. توسعه‌ی این آزمون‌ها با اصول یادشده، سازگاری و تناسب ندارد. حتی در یک تفسیر دقیق‌تر می‌توان گفت که با آن‌ها ناسازگار است. هم‌چنین با توجه به سیاست کلان نظام آموزشی مبنی بر گسترش الگوی ارزش‌یابی کیفی توصیفی در دوره‌ی دبستانی، این روند مانع استقرار مناسب این الگوی ارزش‌یابی خواهد بود.

به نظر می‌رسد که هنوز گسترش ارزش‌یابی کیفی توصیفی و اصول کلان حاکم بر ارزش‌یابی تحصیلی، صرفاً برای سیاست‌گزاران معنی دارد و برای بخشی گسترده از کارگزاران در سطوح اجرایی، فاقد معنای کاربردی است. به نظر می‌رسد لازم است به نحو جدی و معقولانه با این جریان مواجه شد و آن را به درستی مدیریت کرد، در غیر این صورت امیدی به تحقق موفقیت‌آمیز الگوی ارزش‌یابی توصیفی نخواهد بود.

